

زبان رومانو: زبان ساکنان روستای زرگر قزوین

منصور خادم الشریعه سامانی

کارشناس ارشد زبان‌شناسی

مقدمه

مقاله زبان‌شناختی حاضر گزیده‌ای کوتاه از پژوهش زبانی^۱ پیرامون زبان ساکنان روستای زرگر است که در سال ۱۳۷۳ در قالب پایان‌نامه تحصیلی (رشته زبان‌شناسی دانشگاه تهران) به انجام رسید. دو نکته قابل ذکر در خصوص این مطالعه آن است که:

الف- در مراجعه به تمامی کتابخانه‌ها و مراکز علمی- پژوهشی و مرکز لهجه‌شناسی سازمان میراث فرهنگی و نیز برحسب اطلاعات جمع‌آوری شده توسط نگارنده، معلوم گردید تا آن سال بررسی جامع (آواشناسی، واج‌شناسی، ساخت‌واژه و نحو) پیرامون زبان کولی‌ها در ایران انجام نیافته مگر دو مقاله که توسط جناب آقای دکتر فریدون جنیدی و سرکار خانم دکتر ایران کلباسی تدوین یافته بود.

ب- مطالعه زبان کولی‌ها توسط مراکز و مؤسسات تحقیقاتی ویژه‌ای در تمامی پنج قاره جهان دنبال می‌شود چرا که این مردمان در تمام کشورها و جوامع بشری حضور دارند و ضمن داشتن شکل‌های ویژه، روابط اجتماعی خاص درون گروهی خود را دارا هستند. در یافته‌های مطالعات

زبانی خارج از کشور ادعا گردیده که به واسطه کثرت گویشوران این زبان و پراکندگی آنان، چنانچه زبان انگلیسی زبان بین‌المللی رسمی باشد، زبان کولی‌ها، زبان بین‌المللی غیر رسمی است. در مطالعات زبان‌شناختی اروپائیان، زبان کولی‌ها براساس موقعیت جغرافیایی اسکان و نیز ساختار زبانی، طبقه‌بندی گردیده است. شگفت آنکه یکی از حلقه‌های طبقه‌بندی اروپایی زبان کولی‌ها- گروه هفتم- ناشناخته و در نتیجه «بررسی نشده» گزارش شده است. نگارنده خدای را شاکر است که برحسب اتفاق، این زبان دقیقاً همان زبان مفقوده است و این پژوهش جای خالی آن مطالعات را پوشش می‌دهد.

شایان ذکر است که طی این مقاله، مردم شریف، مؤمن و مهربان این روستا طبق تلقی عمومی و نامگذاری رایج در بین خودشان رم (rom) و زبانشان، رومانو چیب (romāno čib) معرفی خواهند گردید.

به منظور ارائه پیش‌درآمد، مقاله مندرج در نشریه پیام یونسکو (شماره ۱۷۴، ص ۲۱) عیناً آورده می‌شود.

کولی‌ها در اروپا

آشنایی با زبان کولی‌های اروپا و طبقه‌بندی کولی‌های جهان، آوای آواره

«رم‌ها یا رمانی‌ها (کولی‌ها) نمونه خاص و بارزی از این نظریه هستند که زبان هر قوم کلید تعیین هویت آن است. کولی‌ها با اینکه در طی قرون گذشته در سراسر دنیا پراکنده شده‌اند، زبان آنها دلیلی قاطع بر منشأ واحد آنهاست. زبان مشترک کولی‌ها به دنبال پخش شدن گروه‌هایی از آنها در پنج قاره جهان، لهجه‌های مختلفی به خود گرفته است که در عین پیوند داشتن با سرزمین اصلی آنها- یعنی با هند- هر یک نشان‌دهنده مسیر مهاجرت کولی‌ها نیز هست. موضوع قابل توجه و آنچه که اولین پژوهشگران این رشته را به تعجب واداشت شباهت پیگیر و همه جانبه شکل‌های دستوری این لهجه‌ها با زبان‌های هند و اروپایی کنونی و رایج در هند و همچنین وجود کلماتی در واژگان پایه آنها بود که علی‌رغم بعضی تغییرات آوایی، همچنان در زبان‌های هندی، پنجابی و دردی رایج هستند. این امر شگفت‌آور نیست، زیرا هزار یا بیش از هزار سال پیش، هنگامی که اجداد چادرنشین کولی‌های امروزی سفر طولانی خویش را به سوی غرب آغاز کردند،



اغلب مجبور بودند که در نقاط مختلف اتراق کنند و گاهی این اتراق طولانی بود، مجاورت آنها با مردمانی که دارای زبان‌ها و فرهنگ‌های متفاوت بودند سبب شد که بعضی از عناصر آن زبان‌ها و فرهنگ‌ها به کولی‌ها منتقل شود. با این‌همه، کولی‌ها رسم نداشتند که مدتی طولانی در جایی بمانند و در نتیجه زمان کافی برای همگونی کامل و یکپارچه شدن با فرهنگ‌های دیگر و از دست دادن هویت و اصالت آنها وجود نداشت. کولی‌ها حتی زمانی که در یک نقطه اتراق می‌کردند، در مقیاسی محلی به زندگی چادرنشینی ادامه می‌دادند. در خاورمیانه گروه‌هایی از کولی‌ها وجود داشتند که خود را دم (Dom) می‌نامیدند، اما همسایگان تحت نام‌های دیگری (مثلاً ناوار در فلسطین) آنها را می‌نامیدند. این نام در ارمنستان به صورت لوم (Lom) درآمد. چند دهه بعد در یونان به کولی‌ها نام رم (Rom) داده شد، نامی که آنها آن را در اروپا و سایر نقاط دنیا برای خود نگه داشتند و در نتیجه از اصل خود جدا ماندند.

از روی تحول آوایی نام‌های قومی کولی‌ها (رم‌ها) می‌توان به سر منشأ تاریخی آنها پی برد. به دلیل تحول واژه «دم» به «رم» اکنون واژه‌های بسیاری که با واج «ر» آغاز می‌شوند در زبان کولی‌های اروپا وجود دارد که معادل آنها در زبان‌های هندی با واج «د» برگشته (این همخوان از طریق برگرداندن نوک زبان به بالا و بردن آن به سمت عقب تا حد لمس کردن سخت کام) ادا می‌شود. حتی امروز نیز گروهی از چادرنشینان در هند هستند که خود را «دم» می‌نامند.

بسیاری از گروه‌های چادرنشین هند یادآور منشأ کولی‌های اروپا هستند. مهم‌ترین آنها گروه‌های بابخارا و لامانا هستند که زبان آنها با زبان برادران اروپایی‌شان کاملاً فرق دارد زیرا اگرچه آنها در سرزمین اصلی خود باقی ماندند، زبان آنها شدیداً تحت فشار فرهنگ یکجانشینی قرار گرفت. این امر، بدون اینکه گفته بالا را نقض کند، دلیل دور شدن زبان این گروه از زبان کولی‌های اروپاست.

سیر کولی‌های اروپا کند اما متداوم بود. علی‌رغم خویشاوندی میان زبان‌های هندی و ایرانی، مسافرت کولی‌ها در آسیا تأثیر عمیقی بر زبان آنها باقی نگذاشت. با این‌همه زبان رومانی چپ، زبان کولی‌های اروپا، بدون شک حاوی عناصری وام گرفته از زبان‌های ایرانی و ارمنی است.

واژه‌هایی از ریشه زبان‌های ایرانی، نظیر بخت، امبرول (امروخ)، انگستری (انگستری)، خانگری (کلیسا)، روف (گرگ) و وردن (واگن) در تمام لهجه‌های کولی‌های اروپا یافت می‌شود. واژه‌هایی از ریشه ایرانی و ارمنی نظیر زور (قدرت) و سیهات (جبهه) و واژه‌هایی از ریشه ارمنی نظیر باو (اجاق) و گراست (اسب) نیز وجود دارند. زبان غربی‌ترین گروه‌های کولی‌های اروپا شدیداً تحت تاثیر اتراق آنها در یونان- که احتمالاً طولانی‌ترین اتراق آنها بوده است- قرار گرفت و در این دوره بود که بعضی از همگونی‌های واژگانی و دستوری صورت گرفت که بعدها به تمام لهجه‌های کولی‌های اروپا راه یافت.

واژه‌های زیر از ریشه یونانی هستند: دروم (جاده)، کارفین (میخ)، کلیدی (کلید)، کوکالو (استخوان)، پایین (مرغابی)، پتالوس (نعل اسب)، تسوکس (دامن)، زومی (آش)، وامونی (سندان) و ایسویری (پتک). بسیاری از لهجه‌های کولی‌های اروپا دارای تک واژه‌هایی از ریشه یونانی است، نظیر (me) که برای ساختن اسم مفعول از آن استفاده می‌شود (مثلاً remome به معنای نوشته و pahome به معنای یخزده، vezlime به معنای گلدوزی شده) و تکواژ mos که جانشین پسوند pe هندی است و هم اکنون به همین صورت نیز در بعضی از لهجه‌های کولی‌های اروپا یافت می‌شود. نمونه‌هایی از تکواژ (-mos) که از طریق آن می‌توان از فعل یا صفت، اسم ساخت در زیر آورده می‌شود:

pimos یا pibe به معنای آشامیدنی از pi (نوشیدن)، nevimos یا nevipe به معنای نوین از nevo (نو)، ternimos یا ternipe به معنای جوانی از terno (جوان)، barvalimos یا barvalipe به معنای ثروت از barvalo (ثروتمند). از قرن چهاردهم به بعد، با «بازدید» کولیان از کشورهای مختلف اروپا، زبان آنها تغییر کرد و این تغییر، گاه عمیق بود.

زبان کولی‌ها، زبانی است غنی و قابل انعطاف که اسامی و افعال آن نظام صرف پیچیده‌ای دارند و عمل ارتباط را در سطحی وسیع ممکن می‌سازند. در لهجه‌های بالکان که نظام صرفی را در خود حفظ کرده‌اند، هر اسم مذکر یا مؤنث، مفرد یا جمع می‌تواند هشت حالت صرفی به خود بگیرد. اجازه بدهید نمونه‌ای از آن را در مورد کلمه جمع phral (به معنای برادر) در اینجا بیاوریم: حالت فاعلی: phrala مانند: برادران آمدند.



حالت اضافی: phralengo, مانند: خانه برادران.

حالت مفعول با واسطه: phralengo, مانند: او به برادران سلام کرد.

حالت مفعول بی واسطه: phralem, مانند: او برادران را دید.

حالت ندایی: phralate, برادران!

حالت مفعول ازی: phralendar, از برادران.

حالت اندری: phraleste, نزد برادران.

حالت بایی: phralentsa, با برادران.

افعال دارای پنج زمان هستند:

زمان حال: kerav (می‌کنم)، زمان استمراری: keravas (دارم می‌کنم)، زمان گذشته: kerdem

(کردم)، زمان گذشته نقلی: kerdemas (کرده‌ام)، زمان آینده: kerva-kam (خواهم کرد).

حالت صرف اسامی زبان کولی‌ها در اروپای شرقی تحت تأثیر زبان‌های اسلاو موقعیتی بهتر برای بقا داشته است زیرا در این زبان‌ها نیز اسم به‌طور کامل صرف می‌شود. البته سایر لهجه‌ها، نظیر لهجه‌های مرده کولی‌های ویلز نیز حالت صرف را عمیقاً حفظ کرده‌اند. با این همه در اروپای غربی گرایش به از میان رفتن حالت صرف و جانشین شدن حروف اضافه در اسامی به‌جای حالت صرفی آنها بود که در بعضی از لهجه‌های سیتو در اروپای مرکزی از حروف اضافه‌ای که در زبان آلمانی وارد شده‌اند استفاده می‌شود:

Fon u pral (از برادر)، An u pral (به برادر)، Mit u pral (با برادر).

واژگان زبان کولی‌ها (زبان رومانی) با واژه‌هایی که از زبان‌های اسلاو، مجارستانی،

رومانیایی، آلمانی، ایتالیایی و سایر زبان‌های اروپایی وام گرفته غنی شده‌اند.

یکی دیگر از جنبه‌های انعطاف‌پذیری زبان کولی‌ها، در ساختن واژه‌های نو است که گاه

به‌نحوی شگفت‌واژه‌هایی از ریشه‌های متفاوت را با یکدیگر ترکیب می‌کنند. برای مثال در یکی

از لهجه‌های سیتو واژه svigardaj (به‌معنای مادر زن یا مادر شوهر) از ترکیب واژه هندی‌الاصل

daj (مادر) با شکل اقتباس‌شده‌ای از کلمه آلمانی schwiegermutter (مادر زن یا مادر شوهر)

ساخته می‌شود. واژه (ledome) (به‌معنای منجمد) در لهجه گروهی از کولی‌های مسلمان در

جنوب یوگسلاوی ترکیبی است از واژه اسلاوی led (یخ) و پسوند me همچنان که قبلاً دیدیم از ریشه یونانی است.

به این ترتیب زبان کولی‌ها به جای اینکه رو به اضمحلال رود، هم‌روند با سایر زبان‌های مشابه تغییر کرده است، واژگان آن غنی شده و با نیازهای جدید، تغییرات حاصل در شرایط زندگی، زمان و محیط سازگار شده است. اما این امر به‌وضوح مشکلاتی حاد در راه برقراری ارتباط میان لهجه‌های گوناگون که به‌نحوی فزاینده در حال دور شدن از یکدیگر هستند ایجاد می‌کند، اینک ببینیم این لهجه‌ها کدامند؟

حداقل دو سوم از سه میلیون کولی‌های جهان (این تخمینی است محافظه‌کارانه و آمار دقیق وجود ندارد) به لهجه دانوبی صحبت می‌کنند. ب. جیلیات اسمیت انگلیسی که در این زمینه تخصص دارد آن را ولاکس vlax می‌نامد، اصطلاحی که بر سهم تأثیر زبان رومانیایی بر واژگان زبان کولی‌ها تأکید بیشتری دارد اما شاید امروز دیگر چندان مناسب نباشد. بعضی از گروه‌های کولی‌های اصیل، زبان خویش را رها کرده، زبان همسایگان یکجانشین خود را اخذ کرده‌اند که یکی از نمونه‌های آن جانشین شدن زبان رومانیایی به روداری است. فهرست سایر لهجه‌ها، البته نه به‌طور جامع، در زیر آمده است. همچنین باید در نظر داشت که طبقه‌بندی‌های جغرافیایی که امروزه به‌کار می‌رود صرفاً برای تسهیل کار است، زیرا این لهجه‌ها همراه با سخنگویان آنها در سراسر جهان پراکنده شده‌اند.

۱. گروه دانوبی (کالدراش، لووارا، کورارا و ...)
۲. گروه بالکان غربی (ایستری، اسلوون، هاوات، آرلیجا و ...)
۳. گروه سیتو (افتاواگارجا، کرانارجا، کراسارجا، اسلواک و ...)
۴. گروه لهجه‌های رم در ایتالیای مرکزی و جنوبی؛
۵. بریتانیایی (ولش، که اکنون مرده است، امروزه فقط لهجه انگلیسی - رمانی باقی مانده که مخلوطی از انگلیسی و رمانی است)؛
۶. فنلاندی؛
۷. یونانی - ترکی (وجود آنها به‌عنوان یک گروه جداگانه قابل بحث است).



۸. ایریایی (امروزه به صورت لهجه کالو یعنی لهجه اسپانیایی رمانی کولی‌های اسپانیا وجود دارد). بنا بر نظریه‌ای که ر. ل. ترنر ارائه داده است، منشأ کولی‌ها را با در نظر گرفتن زبان آنها باید در هند مرکزی جستجو کرد. عده‌ای دیگر منشأ آنها را در شمال غربی هند می‌دانند. از آنجایی که آنها دائماً در حرکت بوده‌اند و همچنین به خاطر اینکه دست کم ده قرن از مهاجرت عظیم آنها از سرزمین مادری‌شان گذشته است، به سختی می‌توان گفت که آیا منشأ آنها از پنجاب بوده است یا از جای دیگر؟ آنچه که بدون تردید می‌توان گفت وجود تعدادی واژه هندی در زبان این مردم به اصطلاح «اروپایی» است که برای معمولی‌ترین مفاهیم به کار می‌روند:

خانه: kher (هندی gher) سیاه: kalo (پنجابی kala)

سه: rukh (هندی ruh) سفید: parno (در لهجه دردی panar یا parana)

نمک: lon (هندی lon) جوان: lerno (هندی tarno)

زمین: phuv (هندی bhu) راه رفتن: ga (هندی ja)

مرد: manus (هندی manus) خوابیدن: sov (هندی so)

قاشق: roi (هندی doi) خارج: avri (هندی bahir)

در سال‌های اخیر اشتیاق مشخصی در کولی‌های کشورهای گوناگون برای اتحاد با یکدیگر پیدا شده است، این اتحاد جنبه سیاسی یا منطقه‌ای ندارد، بلکه مبتنی بر پایه‌های فرهنگی و منشأ و ارزش‌های مشترک آنهاست؛ اگرچه این حرکت هنوز محدود به محافل روشنفکری است اما نشانه‌هایی بر رشد و گسترش آن نیز به چشم می‌خورد.

مسئله وحدت بخشیدن به زبان کولی‌ها در کنگره‌های متعددی در پاریس، رم، ژنو و گوتینگن مورد بحث قرار گرفته است. فعلاً گرچه این خواستی مشروع است ولی چندان عملی نیست، وحدت بخشیدن به یک زبان نمی‌تواند با تصمیم‌گیری در یک مجمع عملی شود و پرداختن به جنبه‌های نظری مسئله تمام کار نیست.

از سوی دیگر گرایشی وسیع و روز افزون برای نوشتن به زبان رمانی (زبان کولی‌ها) که تاکنون صورت شفاهی داشته، پیدا شده است. نه تنها ترانه‌های کولی‌ها و حکایت‌های آنها، بلکه اسناد «خصوصی» و حتی کارهای ادبی نه چندان فولکلور و سستی نیز به این زبان آوانویسی

می‌شود. مجلاتی نیز به این زبان منتشر می‌شود و در یوگسلاوی یک دستور زبان رمانی به همین زبان چاپ شده است. اکنون دیگر امتیاز مطالعه دستور زبان رمانی در انحصار دانشجویان غیر کولی نیست.

انتشار کارهای ادبی به زبان کولی‌ها و تبلیغ برای استفاده از آن به صورت نوشتار، گرچه هنوز محدود به تعداد کمی از لهجه‌هاست ولی می‌تواند اولین گام به سوی وحدت و خودآگاهی میان این مردم باشد که در جستجوی خویش هستند.

امروزه این حرکت در تغییر- نه همواره مثبت- سیمای سنتی کولیان (چه تسیگان، چه گیتان، چه زیگونر و چه سیگان) و تبدیل آنها به اعضای کامل اجتماعی مؤثر است و فرهنگ کولی‌ها و ظرفیت ارتباطی زبان آنها نیز این امر را تقویت می‌کند.

کولی‌ها در ایران

درخصوص تاریخ سکونت کولی‌ها در ایران روایت‌های گوناگونی ارائه گردیده است که در این مقاله مجال پرداختن به آنها نیست.

روستای زرگر با مختصات جغرافیایی ۲۳ و ۵۰ طول شرقی و ۳۲ و ۳۶ عرض شمالی از نصف‌النهار گرینویچ در کیلومتر ۴۰ جاده قدیم قزوین به کرج در دشت قزوین واقع است. جمعیت ساکن در این روستا، به موجب سهمیه جیره‌بندی مواد غذایی، از ۱۲۷ خانوار، و حدود ۹۲۵ نفر طبق آمار شرکت تعاونی مصرف روستا در سال ۱۳۷۰، تشکیل شده است.

در مورد قدمت روستای زرگر، حتی با بهره‌گیری از روش‌های محیطی (مانند تاریخ تنظیم اسناد قابل دسترسی، گسترده‌گی گورستان، تاریخ سنگ قبرها، وجود بناهای قدیمی، وجود درختان کهنسال و ...) نیز تاریخ تخمینی خاصی به دست نیامد. تنها اشاره تاریخی که به این آبادی شده، وجود این طایفه را در حدود ۱۰۰ سال قبل (یعنی پیش از زمان پهلوی) نشان می‌دهد.

مردم این روستا، بلند قامت (بالای ۱۸۰ سانتی‌متر)، دلیر، سبزه، خوش برخورد، مهربان و مهمان‌نواز و مسلمان شیعه هستند. پوشش زنان و مردان، لباس متداول در شهرها است و لباس سنتی خاصی به تن ندارند. در ساخت خانه‌هایشان از الگوی بافت روستایی (محل زندگی + محل دام) پیروی نموده‌اند. شغل عمده آنها کشاورزی (گندم، جو، چغندر و ذرت) است اما مردان



پیر این روستا به یاد دارند که قبلاً (تا حدود ۵۰ سال پیش) شغلشان حمل و نقل بار و مسافر توسط شتر بوده و کاروان‌دار بوده‌اند. پس از زهکشی آب به دشت قزوین، اینان به کشاورزی روی آورده و کاروان‌داری را به فراموشی سپرده‌اند. گویشوران این روستا سه زبانه (ترکی، رومانو، فارسی) بوده و با به‌کارگیری زبان ترکی، راحت‌تر می‌توان با پیران ده ارتباط زبانی برقرار نمود. از نظر سواد، جوانان و میانسالان همه باسواد هستند و در میان جوانان، جوانانی که تحصیلات عالی نیز دارند به‌وفور دیده می‌شوند. قبلاً ازدواج «درون گروهی» بوده اما در نسل جوان امروز، میل شدیدی به ازدواج با دیگران (غیر رومانو) پیدا شده به‌حدی که به‌ندرت به زوج جوانی می‌توان برخورد که هر دو رومانو باشند، از این رو سرایشی فراموشی برای این زبان فراهم گردیده است. گویشوران در مورد موطن اصلی خود روایت‌های گوناگونی را بیان می‌دارند که تمام این روایت‌ها نقطه مشترکی دارند، «ایرانی نیستند»:

۱. اصل ما از کشور رومانی است و به همین دلیل، ما زبانمان را رومانو چیب /romāno čib/

می‌نامیم.

۲. اصل ما از کشور ایتالیا است، چون ما به برنج /rizi/ می‌گوییم و آنان نیز همین واژه را برای برنج به‌کار می‌برند، غیر از این، در پایان تمام کلمات ما همانند ایتالیایی‌ها صدای /o/ وجود دارد.

از همه جالب‌تر اینکه:

۳. اصل ما از کشور یونان است، در زمان جنگ‌های دوران باستان مابین ایران و یونان، دویست نفر از ما توسط پادشاه وقت ایران اسیر شدند ولی به‌واسطهٔ اندام‌های قوی و ورزیده (مردانمان ۲۲۰ سانتی‌متر قد و ۱۵۰ کیلوگرم وزن و زنانمان ۱۸۰ سانتی‌متر قد و ۱۰۰ کیلوگرم وزن داشتند) مورد عفو و عنایت پادشاه قرار گرفتند و در این محل که دشت سرسبزی بوده سکنی داده شدند ...



مرز زبانی

در مورد محل زندگی دیگر هم‌زبانان اینان پرسیده شد. اهالی آبادی این محل‌ها را نام بردند: روستای باقرآباد ترک (نزدیک‌ترین آبادی منطقه به آنان که ساکنان این روستا دو رگه- رومانو و ترک- هستند)، آبیک (حدود سی خانوار)، شهریار کرج (چند خانوار)، قوچان (چند خانوار) و اطراف شیراز. حوزه جغرافیایی این زبان از غرب، شمال‌غربی و جنوب‌غربی به زبان کردی (لهجه کرمانشاهی) و از جنوب و شرق و جنوب‌شرقی به زبان ترکی و از شمال و شمال‌شرقی به زبان مردم کوهستان (منطقه طالقان که زبان اینان به نام زبان تاجیک شناخته می‌شود) محدود می‌گردد. در این ده سه طایفه وجود دارد:

۱. pasalar (زرگرها، زبان این روستا به این طایفه منسوب است و در نتیجه لهجه این طایفه بررسی گردید).

۲. salaton (احمدی‌ها)

۳. cuqqorli (گودنشین‌ها)

۴. تا حدود ۵۰ سال پیش، دو طایفه sardem و sayfon نیز در این روستا ساکن بوده‌اند که همان ایام دو طایفه از اینجا مهاجرت کرده و به مقصدی نامعلوم مهاجرت نموده‌اند. گفتنی است تفاوت لهجه این طایفه‌ها به‌ویژه در واژه‌های پایانی واژگان است.

ادبیات و موسیقی

هیچ شعری به زبان رومانو از این گویشوران شنیده نشد و به‌دست نیامد. ادبیات این مردمان متأثر از ادبیات زبان ترکی است و اشعار فراوانی به زبان ترکی، همانند «عاشق‌لر» آذربایجان، در سینه محفوظ دارند و به خوبی از بر می‌خوانند. میل به موسیقی در بین آنها شدید است. سنتور، تار، سه‌تار و ویلون بسیار مورد توجه اینان بوده و استادانه می‌نوازند. فرانس لیست^۲، آهنگ‌ساز و پیانیست نامی جهان، ادعا دارد که موسیقی ملی کشور مجارستان متعلق به کولی‌ها است. جنیدی درباره تشابهات برخی از واژه‌های زبان رومانو با زبان‌های دیگر چنین اظهار نظر می‌کند: «در این گفتار با یکی از شگفت‌ترین پدیده‌های زبان‌شناسی جهان روبه‌رو می‌شویم»



واژه (dis) به معنی روز است که از (divasya) سانسکریت به معنی روشنایی و نیز ایزد روشنایی است و از همین ریشه است که واژه (day) انگلیسی و (tag) آلمانی به معنی روز، برآمده است و همچنین در واژه‌های مرکب روزهای هفته در زبان فرانسه به صورت «دی» به معنای روز است، در واژه مرکب (فردا = فر + دا) به گونه‌ای در زبان فارسی آمده و خود این واژه «دا» در زبان فارسی از تاک و تاگ پهلوی در واژه مرکب (فر + تاک) یا (فرتاک = فردا) آمده که تاگ پهلوی آن با تاگ آلمانی یکی است و هر دو به معنی روز و روشنایی است ... واژه (pek) را با پیچ پهلوی و پوختن و پزیدن بسنجید که کهن‌تر از نمونه پهلوی آن است. واژه (pand) که بند و بست از آن برآمده و واژه (band) انگلیسی نیز از همین ریشه است ... واژه (dad) رومانو به معنی پدر است که همگون‌واژه (daddy) انگلیسی است. واژه (vinde) به معنی زمستان است که در برابر با (winter) انگلیسی و آلمانی است.

واژه کاس رومانو به معنی علف و سبزه است که در انگلیسی (grass) خوانده می‌شود و در آلمانی (gras) می‌گویند. واژه ریزی به معنی برنج که در زبان ارمنی بریندز (brindz) در خراسان (brinj) و در فارسی گفتاری (berenj) گفته می‌شود و در فرانسه (riz) و در آلمانی (reis) و در انگلیسی (rice) خوانده می‌شود. واژه (day) به معنی مادر، که (dayi) دی یا دایی به معنی برادر مادر از آن گرفته شده و واژه دایه یا پروردگار نیز از همان ریشه است ...».

با نگاهی گذرا به واژگان زبان رومانو اطلاعات دیگری نیز به دست آمد، به ویژه تشابهات فراوان واژگانی بین زبان این گویشوران و زبان هندی که به منظور جلوگیری از تطویل نوشتار از ارائه آنها در اینجا صرف نظر گردید.

در ادامه نوشتار، در بند الف. مقابله واژگانی با زبان انگلیسی و در بند ب. مقابله واژگانی با زبان‌های باستانی (در حد اطلاعات نگارنده) ارائه می‌گردد:

الف: مقابله واژگانی با زبان انگلیسی

واژه qamil به معنای شتر که انگلیسی آن camel است.

واژه sementi به معنای سیمان که انگلیسی آن cement است.

واژه peperi به معنای ادویه و فلفل که انگلیسی آن pepper است.



واژه *port* به معنای پل / کناره آب که انگلیسی آن *port* به معنای ساحل و بندر است.

واژه *famla / faynla* به معنای خانه / خانواده که انگلیسی آن *family* است.

واژه *murdar* به معنای بگش که انگلیسی آن *murder* به معنی کشتن / قتل کردن است.

ب: مقابله واژگانی با زبان‌های باستانی

واژه *tapsi* به معنای ماهیتابه / سینی (تنور) که ریشه فارسی باستان آن *tap* به معنی تفته بودن است.

واژه *ker* به معنای انجام بده / بساز که فارسی باستان و اوستایی آن *kar* و سانسکریت آن *kr* است.

واژه *suk* به معنای خشک که فارسی باستان آن به صورت *uska* است.

واژه *juvindo* به معنای زنده که شکل فارسی باستان و سانسکریت آن *jiva* و شکل اوستایی آن *jva* است.

واژه *de* به معنای بده که در فارسی باستان به صورت *da* است.

واژه *vast* به معنای دست که در فارسی باستان *dasta* و در سانسکریت به صورت *hasta* است.

واژه *dikh* به معنای بین که در فارسی باستان *di* به معنی دیدن و در سانسکریت نیز *dikh* به معنای بین است.

واژه *duri* به معنای دور که در فارسی باستان و اوستا به صورت *dura* و در سانسکریت به صورت *dura* است.

واژه *dar* به معنای در که فارسی باستان آن *duvara* و اوستایی آن *dvar* و در سانسکریت به صورت *dvar* است.

واژه *na* به معنای نه که شکل سانسکریت آن نیز *na* است.

واژه *palo* به معنای بعد که در فارسی باستان به شکل *para* و در اوستایی به صورت *paro* است.

واژه *pand* به معنی ببند که در فارسی باستان *band* در اوستایی *band* و در سانسکریت *bandh* به معنای بستن است.

واژه *bosi* به معنی سرزمین که در فارسی باستان به صورت *bumi* و در اوستایی *bumi* و در سانسکریت به صورت *bhumi* است.

واژه *me* که معنی نهی می دهد در فارسی باستان به صورت *ma* و در سانسکریت نیز *ma* است.



واژه mer به معنی بمیر که فارسی باستان به شکل mar و در اوستایی نیز mar است.

واژه kava به معنی این که در فارسی باستان به شکل hauv است.

فعل piyani (می نوشم) در سانسکریت pibami گفته می شود.

فعل siklosom (بلدم/ می دانم) ریشه اوستایی sak معنی یاد گرفتن دارد.

فعل jas به معنای برویم، صورت اوستایی آن jas یعنی «رفتن، آمدن» از ریشه gam است.

فعل per به معنای پر کن، صورت اوستایی آن par به معنی پر کردن است (وجود نمونه‌های فراوان تشابه بین زبان رومانو و زبان‌های باستان نمی تواند اتفاقی باشد).

زبان رومانو بیش از زبان فارسی، از زبان ترکی متأثر است و پیش‌بینی قوی این است که با فراموش شدن این زبان، زبان ترکی جایگزین آن گردد:

الف. از نظر آوایی، احتمالاً هماهنگی آوایی^۳ را مدیون زبان ترکی است.

ب. از نظر واج، این زبان از زبان فارسی یک واج /ə/ (فقط همزه آغازی) ولی از زبان ترکی دو واج /Ö/ و /Û/ (به همراه واژه‌های ترکی) را قرض گرفته است.

پ. از نظر واژگان، زبان رومانو بسیاری از واژه‌های خود را از زبان ترکی قرض گرفته است (در این مورد نمونه‌های بسیار فراوانی را می توان بیان داشت).

ت. از نظر ساخت واژه و نحو، به برخی پسوندهای صرفی بر می خوریم که می بایست منشأ ترکی داشته باشند:

صفت نسبی: فارسی: تهرانی، ترکی: teran + le، رومانو: teran + li.

متمم ازی: فارسی: از دیروز، ترکی: dunan + dan، رومانو: aij + dan.

کاربرد واژگانی:

فارسی: چه کاره‌ای؟ (= چکار می کنی؟)

ترکی: چه کاره‌ای? na əisi gorirayn? (= چه کاری می بینی؟)

رومانو: چه کاره‌ای? so buti dikesa? (= چه کاری می بینی؟)

ث. هر چند که فعل نسبت به دیگر سطوح زبانی، خیلی به ندرت از زبان دیگر قرض گرفته می شود، اما تعداد افعال ترکی قرض گرفته شده در زبان رومانو بسیار زیاد است.



مقایسه نظام اعداد رومانو چیب با زبان کولی های نقاط مختلف جهان

فارسی	هندی	کولی های رومانی	کولی های یونان	کولی های ارمنستان	کولی های سوریه	روستای زرگر
یک	ek	ek	yek	yaku	yoka	yek
دو	do	dui	dui	dui	di	duy
سه	tin	trin	tuin	trin	taran	terin
چهار	car	chtar	(i)star	chtar	star	əistar
پنج	pansh	pansh	pansh	bensh	punj	Panj

مقایسه واژگانی و نحوی رومانو چیب با زبان هندی و کولی های جهان

فارسی	هندی	کولی های جهان	روستای زرگر
چشم	akh	yakh	yakh
آتش	ag	yag	yag
سیاه	kala	kalo	qalo
انجام بده	kar	ker	ker
روغن	ghi	khil	khil
فروختن	kim	kin	bikenipey
مال ما	amara	amaro	əamaro

فارسی: برو بین کی در می زنه؟

هندی:

dja dekh kon tchalaya dvar ko.

کولی ها:

dja dekh kon tchalaredo ovurdo.

روستای زرگر:

dja dikh qon nangavula dareski.

این نمونه ها تنها موارد زبانی بود که در کشور ایران از زبان کولی های جهان به دست آمد. در هر منبعی که در مورد زبان کولی ها (چه منابع داخلی و یا خارجی) چیزی نوشته شده فقط در حکم تاریخچه آنان بوده و اطلاع زبانی وجود نداشته است.



در نظام اعداد زبان مورد بحث در این مقاله، قرابت و همانندی بیشتری به نظام اعداد کولی‌های یونان دیده می‌شود. با توجه به تشابهات فراوان بین این زبان و زبان ترکی و نیز سیستم اعداد (یونانی) این زبان، گمان می‌رود گروه هفتم کولی‌های دنیا، در طبقه‌بندی اروپایی، ساکنان روستای زرگر باشند. آیا با انطباق و مقایسه این موارد نمی‌توان نتیجه گرفت که زبان مورد بحث، ریشه هندی داشته و گویشوران این زبان در سیر تاریخی مهاجرت خود از هندوستان، مدت‌های مدیدی را در اروپا خصوصاً در کشور یونان ساکن شده‌اند (به واسطه تشابه نظام اعداد) و سپس به علت نامعلومی (شاید برای دوری از کوچ و خانه به‌دوشی و نیز به اشتیاق یافتن سرزمین اصلی و مادری خود) دوباره مسیر رفته را بازگشته و در سرزمین عزیز ایران بنا به ملاحظات خاصی ساکن شده‌اند؟

پی‌نوشت‌ها

1. Synchronic Study.
2. Franz List.
3. Vowel Harmony.

منابع

- تهرانی‌زاده قوچانی، شیر علی، *واژه‌نامه رومانو*، تهران، انتشارات بنیاد نیشابور، ۱۳۷۰.
- جولیور، سور اوپا، *آوای آواره*، نشریه پیام یونسکو، شماره ۱۷۴، سال شانزدهم، ص ۲۱.
- داعی‌الاسلام، محمدعلی، *فرهنگ نظام فارسی به فارسی: با ریشه‌شناسی و تلفظ واژه‌ها به خط اوستایی*، تهران، دانش، جلد چهارم، ص ۵۰۷.
- دهخدا، علی‌اکبر، *فرهنگ دهخدا*، جلد ۳۹، ص ۳۴۴.
- زرین‌کوب، عبدالحسین، *مجله روابط فرهنگی هند و ایران*، شماره یک، سال ۱۹۵۲، ص ۱۱.
- صالحی، ع، *از تهران تا قزوین در ۱۰۰ سال پیش*، هفته‌نامه ولایت قزوین، شماره ۲۶، سال نهم، ص ۱۱.
- قائد شرفی، هما، *بررسی صرف فعل ایرانی باستان و مقایسه آن با سنسکریت با مقدمه‌ای بر زبان‌های ایرانی باستان*، تهران، انتشارات ایران ارشاد، ۱۳۶۶.
- Clebert- Jean, Paul, *The Gypsies*, translated by Charles Duff, Penguin, Engl, Cox and Wyman, 1963.
- Kent, R.G., *Old Persian*, grammer, text, texicon, New Haven: American Oriental Society, 1961.